

رابطه سبک تفکر مدیران و دام‌های زمان

مطالعه موردی



دکتر مسعود پورکیانی، فاطمه شاهیلو
sshahiloo@yahoo.com

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

چکیده

در این پژوهش، با بهره گیری از نظریه خودگردانی ذهنی استرنبرگ و ۲۰ عامل اتلاف وقت مکنزی، چگونگی ارتباط سبک های تفکر با دام های زمان مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است که شرکت کنندگان در پژوهش، ۹۵ نفر از مدیران سازمان و نواحی یک و دو آموزش و پرورش شهر کرمان بودند. یافته های پژوهش، وجود رابطه میان سبک های تفکر و دام های زمان را تایید کرد. تجزیه و تحلیل ها نشان داد که بین سبک تفکر مدیر و دام های زمان، همبستگی وجود دارد.

تدبیر

شماره ۲۱۱ - اردیبهشت ۸۹
مقالات

۶۰

نگرش فکری حاکم بر یک مجموعه، تحت تاثیر فلسفه فکری مدیران آن است. از آنجایی که به طور طبیعی، مسئولیت‌ها و اختیارات در دست مدیران است، آنها با رفتار، عملکرد و سیاست‌گذاری‌های خود، سازمان را به سمتی سوق می‌دهند که منطبق بر رویکرد فکری خودشان باشد و این موضوعی غیر قابل انکار است (هاتفی، ۱۳۸۲). افراد با سبک‌های تفکر متفاوت، مایل‌اند از توانایی‌هایشان به شیوه‌های مختلف استفاده کنند و متناسب با نوع تفکرشان، واکنش‌های متفاوت ارائه دهند (استرنبرگ، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۳). از طرفی به کارگیری مدیریت زمان از مهمترین روش‌هایی است که سازمان به وسیله آن به اهداف تعیین شده خود می‌رسد. زمان، عنصری است گرانبها که تلف شدن آن ضایعات جبران ناپذیری را برای یک فرد، یک سازمان و به طور کلی جامعه به بار می‌آورد. به همین لحاظ مدیریت زمان به عنوان ابزاری جهت افزایش بازدهی و بهره‌وری به کار می‌رود. متغیرهای شخصیتی یا متغیرهای تفاوت فردی بر چگونگی درک فرد از مفهوم زمان و نهایتاً بر رفتار وی تاثیر دارد. این مسئله به صورت کلی مورد قبول است که طرز نگرش فرد در شخصیت او منعکس می‌شود. (Nonis et al., 2005) رابینز ذکر می‌کند که استفاده کارآمد از زمان بستگی به نوع شخصیت انسان دارد و به عبارت دیگر شخصیت مدیر، گرایش وی به استفاده از زمان و وقت را تعدیل می‌کند (کرمی مقدم، ۱۳۷۷: ۱۵). مقاله حاضر به بررسی سبک تفکر مدیران سازمان و نواحی آموزش و پرورش شهر کرمان و رابطه آن با دام‌های زمان خواهد پرداخت.

به اعتقاد استرنبرگ، سبک، شیوه‌ای برای تفکر است. اصطلاح سبک مترادف با توانایی نیست، بلکه شیوه‌ای برای به کارگیری توانایی فرد است. توانایی به این اشاره دارد که یک فرد چقدر خوب می‌تواند کاری را انجام دهد، اما سبک، به این امر اشاره دارد که فرد دوست دارد کار را چگونه انجام دهد (استرنبرگ، ۱۳۸۱: ۱۹-۲۳).

در مطالعات سبک‌های تفکر که از

**با توجه به نتایج به دست آمده،
افرادی که تمایل به استفاده
از سبک قضاوتگر دارند،
بیشتر دچار اتلاف وقت می‌شوند.**



اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز شده، مدل‌های نظری - مفهومی زیادی مطرح شده است و طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برخی از نظریه پردازان به پیوند دادن این مدل‌های نظری یا مفهومی پرداخته‌اند. انواع این مطالعات با توجه به پایه و مبنای در نظر گرفته شده در آنها متفاوت است و در واقع محققان این حوزه هریک از منظری خاص به انجام تحقیقات درباره این مفهوم پرداخته‌اند. این تحقیقات، مجدداً طی سالهای اخیر روبه افزایش گذاشته است. دورو در سال ۲۰۰۴، سه حوزه یا رویکرد اصلی در این مطالعات را مورد شناسایی قرار داد که این سه رویکرد عبارت‌اند: از رویکرد شناخت‌مدار، رویکرد شخصیت‌مدار و رویکرد فعالیت‌مدار (نورشاهی، ۱۳۸۷: ۲۶). جنبش شناخت‌محور، با این عقیده که سبک‌های تفکر می‌توانند پلی بین مطالعات شناختی و مطالعات شخصیت برقرار سازند، در سالهای ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ به وجود آمد و جنبش سبک‌های شناختی نامیده شد. مطالعات در حوزه سبک شخصیت‌مدار و با این رویکرد، از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. این جنبش که جهت درک سبک‌ها، اما به شیوه‌ای که شبیه مفهوم سازی و سنجش شخصیت و نه شناخت است، به کار رفته است. در رویکرد شخصیت‌محور، نظریه‌هایی نظیر تیپ‌های شغلی «هالند» و توانمندی

«گریگوریک»، شامل تیپ‌های عینی‌نگر - انتزاعی‌نگر و توالی‌نگر - تصادفی‌نگر مطرح شدند (جوکار، ۱۳۸۵). در رویکرد فعالیت‌مدار، شیوه‌های تفکر از منظر رابطه آنها با فعالیت‌های مختلف، سازمان‌ها یا محیط‌ها و مجموعه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند (نورشاهی، ۱۳۸۷). سبک‌های فعالیت‌مدار، نسبت به سبک‌های شناخت‌مدار و شخصیت‌مدار بیشتر روی عمل فرد و فعالیت‌هایی تاکید می‌کنند که افراد در شرایط مختلف زندگی با آن درگیر هستند، مثل تحصیل و کار (استرنبرگ، ۱۳۸۱: ۲۰۷). نظریه‌های سبک‌های یادگیری مارتون، بیگن و انتویست درباره سبک‌های عمیق و سطحی از جمله نظریه‌های مطرح در این زمینه است. (جوکار، ۱۳۸۵)

نظریه خودگردانی ذهنی، مربوط به سبک‌های تفکر افراد است که برای انواع مختلف فعالیت‌ها، شامل یادگیری و آموزش به کار می‌رود. نکته مهم و اساسی در این نظریه، این مفهوم است که افراد نیاز به اداره یا مدیریت فعالیت‌های روزانه خود دارند و افراد، سبک‌هایی را برای اداره کردن فعالیت‌هایشان انتخاب می‌کنند که با آنها احساس راحتی می‌کنند. این نظریه، ۱۳ سبک تفکر را در راستای ابعاد خودگردانی ذهنی در ۵ طبقه عملکردها، فرم‌ها، سطوح، محدوده و گرایش‌ها تقسیم‌بندی کرده است که به این شرح‌اند: الف. عملکردها (شامل سبک‌های قانونی، اجرایی، قضایی)، ب. اشکال (شامل گروه‌های سالاری، تک‌سالاری و آشوبگرایی)، ج. سطوح (سبک‌های کل‌نگر و جزئی‌نگر)، د. حیطه‌ها (سبک‌های درون‌نگر و برون‌نگر)، ه. تمایلات (شامل سبک‌های محافظه‌کار و آزاداندیش) (Zhang, 2004).

در پژوهش حاضر با توجه به هدف تحقیق، تنها سه بعد عملکرد، سطوح و تمایلات سبک‌های تفکر از نظریه خودگردانی ذهنی استرنبرگ به عنوان متغیرهای پیش‌بین در نظر گرفته شدند. شیوه‌های فکری در نظریه خودگردانی ذهنی استرنبرگ به طور خلاصه در جدول (۱)، بیان شده است.

در سبک قانونگذار، افراد تمایل دارند تا کارها را به شیوه خودشان انجام دهند و تصمیم‌گیری راجع به موارد و چگونگی

انجام امور، در حوزه اختیارات خودشان باشد و به اموری که از قبل طراحی و سازماندهی شده باشد، تمایل ندارند. افرادی با سبک قضاوتگر، تمایل به ارزیابی قوانین و برنامه‌ها دارند و اموری را ترجیح می‌دهند که در آن عقاید و مسائل موجود مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرند. در سبک اجرایی، افراد مایل‌اند از مقررات پیروی کنند و کارهایی را به عهده گیرند که از قبل طراحی و سازماندهی شده باشد (جوکار، ۱۳۸۵). افراد جزئی‌نگر، ترجیح می‌دهند که به جزئیات بپردازند، در حالی که افراد کلی‌نگر مایل‌اند که با ابعاد کلی و بزرگ سروکار داشته باشند. آزاد اندیشان دوست دارند پیشرو باشند و فراتر از مراتب و مقررات موجود در جستجوی حداکثر تغییر و تحول قدم بردارند و در مقابل افراد محافظه کار مایل‌اند به مراتب و مقررات موجود مقید و با حداقل تغییر و تحول مواجه باشند (استرنبرگ، ۱۳۸۱: ۱۱۷-۱۱۰).

تحقیقات متعددی پیرامون ارتباط تفکر و متغیرهای مختلف صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به صاحب‌نظرانی چون فانگ، زانگ، استرنبرگ، پستیکلون اشاره کرد. در تحقیق حاضر رابطه این متغیر با عوامل اتلاف وقت مورد بررسی قرار گرفته است. در حقیقت، هدف این تحقیق توصیف سبک غالب تفکر مدیران و توصیف وضعیت اداره دام‌های زمان توسط آنها و تحلیل رابطه آن با دام‌های زمان است.

دام‌های زمان

صاحب‌نظران مدیریت زمان، بیشترین تمرکز خود را بر روی عوامل اتلاف‌کننده وقت داشته‌اند؛ چراکه شناسایی و کنترل این عوامل، اولین گام در اداره موثر زمان است. متخصصانی که به طور خاص در این زمینه مطالعه و پژوهش کرده‌اند عبارت‌اند از: الک مکنزی (۱۹۲۸)، آلن لیکین (۱۹۷۳)، ماریون‌های‌نس (۱۹۸۷)، پیترو فراس (۱۹۷۱) که به ترتیب مبانی نظری خویش را در کتاب‌های «دام زمان»، «چگونه زمان و زندگی خود را کنترل کنید»، «اصول و فنون مدیریت زمان» و «مدیریت زمان» ارائه کرده‌اند (مهبودی،

۱۳۸۵). به اعتقاد‌های‌نس، معمولاً عوامل اتلاف وقت از دو منبع سرچشمه می‌گیرند: محیط و خود فرد. مهمترین عوامل اتلاف وقت فردی عبارت‌اند از: بی‌نظمی و بی‌انضباطی، تعلل و اهمال، ناتوانی در نه گفتن، بی‌علاقگی و خستگی مفرط. از جمله مهم‌ترین عوامل محیطی اتلاف وقت می‌توان به ملاقات‌کننده‌ها، تماس‌های تلفنی، نامه‌های اداری، انتظار برای ملاقات، جلسات بی‌حاصل و بحران‌ها اشاره کرد (کریمی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۶).

مکنزی، پس از تحقیقات زیاد در رابطه با مشکلات زمان سازمان‌ها و درجه‌بندی‌هایی که افراد از این مشکلات داشته‌اند، به این نتیجه رسید که در کشورهای مختلف، تفاوت‌های بسیار اندکی مشاهده می‌شود و به طور کلی همگان مشکلاتی یکسان در رابطه با زمان دارند و شدت آن تقریباً یکسان است. وی ۲۰ عامل ضایع‌کننده وقت را به صورت زیر بیان می‌دارد: مدیریت از طریق بحران، ناکفایتی برنامه‌ریزی، تلاش بیش از حد (قبول مسئولیت بیش از حد)، واگذاری کار و مسئولیت به دیگران به صورتی ناموثر، بی‌نظمی فردی، فقدان انضباط شخصی، ناتوانی در نه گفتن، کار امروز را به فردا افکندن (تعلل)، کار را ناتمام نهادن، مسئولیت یا اقتدار نامشخص، ارتباطات ضعیف، ناکفایتی در کنترل و گزارش‌های پیشرفت، تلفن‌ها (انقطاع‌های تلفنی)، مهمان ناخوانده، کاغذ بازی، جلسات،

اطلاعات ناقص، سفر، کارکنان فاقد صلاحیت و گپ‌های دوستانه. مکنزی یکی از جنبه‌های مهم در مسئله اداره زمان را عدم پذیرش این نکته که خود فرد مشکل وقت را پدید می‌آورد، می‌داند. (مکنزی، ۱۳۸۵: ۲۳).

مراحل تحقیق

در تحقیق حاضر در زمینه عوامل اتلاف وقت، ۲۰ عامل ارائه شده توسط الک مکنزی مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین هدف در تحقیق حاضر، مشخص کردن این مسئله بود که سبک تفکر مدیران در سازمان و نواحی آموزش و پرورش چگونه است؟ سبک غالب تفکر مدیران در سازمان و نواحی آموزش و پرورش شهر کرمان کدام است؟ کدام سبک تفکر با دام‌های زمان رابطه بیشتری دارد؟ پژوهش، شامل ۸ فرضیه بود که عبارت بودند از:

۱. بین سبک تفکر قانونگذار با دام‌های زمان رابطه وجود دارد.
۲. بین سبک تفکر قضاوتی با دام‌های زمان رابطه وجود دارد.
۳. بین سبک تفکر اجرایی با دام‌های زمان رابطه وجود دارد.
۴. بین سبک تفکر محافظه کار با دام‌های زمان رابطه وجود دارد.
۵. بین سبک تفکر آزاد اندیش با دام‌های زمان رابطه وجود دارد.
۶. بین سبک تفکر جزئی‌نگر با دام‌های

عملکرد:

- * قانونگذاری
- * اجرایی
- * قضاوتگر

سطوح:

- * کلی‌نگر
- * جزئی‌نگر

اشکال:

- * فرد سالاری
- * پایورسالاری (مرتبه سالاری)
- * جرگه سالاری یا دسته سالاری
- * ناسارلاری

حیطه‌ها:

- * درون‌نگر
- * برون‌نگر

تمایلات:

- * آزاداندیش
- * محافظه کار

جدول ۱: خلاصه‌ای از سبک‌های تفکر از دیدگاه استرنبرگ (استرنبرگ، ۱۳۸۱: ۴۳)

زمان رابطه وجود دارد.
۷. بین سبک تفکر کلی نگر با دام‌های زمان رابطه وجود دارد.
۸. بین سبک‌های تفکر با دام‌های زمان با توجه به متغیرهای میانجی (جنسیت، سن، وضعیت تاهل، تحصیلات، سابقه خدمت) رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

با توجه به هدف تحقیق که به دنبال بررسی رابطه سبک‌های تفکر و دام‌های زمان در بین مدیران سازمان و ادارات آموزش و پرورش شهرستان کرمان بود، از روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی استفاده شد، که به صورت تحقیقات میدانی به جمع آوری داده‌ها پرداخته شد و از نظر هدف نیز جزو تحقیقات کاربردی بود.

جامعه آماری

جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه مدیران سطوح عالی و میانی و اجرایی سازمان آموزش و پرورش و همچنین ادارات نواحی یک و دو آموزش و پرورش کرمان در سال ۸۸-۸۷ (۱۰۷ نفر) بود که در نهایت ۹۵ نفر از این جامعه، با پژوهش، همکاری کردند.

ابزار پژوهش

۱. پرسش‌نامه سنجش سبک‌های تفکر مبتنی بر نظریه خودگردانی ذهنی استرنبرگ
تعداد ۳۲ گویه از پرسش‌نامه ارائه شده توسط جی رابرت استرنبرگ به منظور

تشخیص نوع تفکر مدیر استفاده شد. پاسخ‌ها به صورت طیف لیکرت از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف و با نمره‌گذاری ۱ تا ۵ بودند. تعیین روایی از روش سنجش اعتبار به وسیله قضاوت جمعی از اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان و دانشگاه شهید باهنر کرمان احراز شد. پایایی پرسش‌نامه سنجش سبک‌های تفکر نیز از روش باز آزمایی و محاسبه نتایج با استفاده از روش همبستگی اسپیرمن و آلفای کرونباخ محاسبه شد.

۲. پرسش‌نامه سنجش دام‌های زمان

این پرسش‌نامه از نوع محقق ساخته است که برای سنجش دام‌های زمان طراحی شد. این پرسش‌نامه ۴۲ سوال را در برمی‌گیرد. در این پرسش‌نامه از مقیاس لیکرت استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد با علامت‌گذاری در هریک از ستون‌های «کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظم، مخالفم و کاملاً مخالفم» نظرات خود را اعلام کنند. روایی پرسش‌نامه از روش قضاوت جمعی اساتید و پایایی آن از طریق روش باز آزمایی و با محاسبه از طریق همبستگی اسپیرمن و آلفای کرونباخ تعیین شد.

نتایج تحقیق

جدول شماره (۲)، نشان دهنده ضرایب همبستگی متغیرهای سبک‌های تفکر و دام‌های زمان است. تجزیه و تحلیل داده‌ها، از طریق آزمون پیرسون و اسپیرمن نشان می‌دهد که تمامی سبک‌های تفکر با دام‌های زمان رابطه دارند و مثبت بودن

بحث و بررسی

همانطور که گفته شد، هدف تحقیق حاضر، بررسی سبک غالب تفکر مدیران و وضعیت اداره دام‌های زمان توسط آنها با در نظر گرفتن متغیرهای جمعیت شناختی بود و اینکه کدام سبک با اتلاف زمان رابطه بیشتری دارد. با توجه به مقایسه مولفه‌های سبک‌های تفکر و دام‌های زمان بر اساس مشخصات فردی (سن، جنس، تحصیلات، سابقه خدمت) از طریق آزمون T، تفاوت معنی داری در مردان و زنان در گروه‌های سنی متفاوت با هر نوع سابقه خدمت مشاهده نشد. البته مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که سبک تفکر آزاداندیش در گروه افراد دارای میزان تحصیلات لیسانس و پایین تر و فوق لیسانس و بالاتر تفاوت معنی داری دارد. افراد فوق لیسانس و بالاتر تمایل بیشتری به این سبک دارند. همچنین مقایسه‌ها نشان داد که افراد ۴۰-۳۱ سال، نسبت به افراد بالاتر از ۴۰ سال محافظه کارترند و در مقایسه مولفه‌های دام‌های زمان مشخص شد که افراد لیسانس و پایین تر، نسبت به لیسانس و بالاتر، بیشتر در دام‌های زمان افتاده اند.

با توجه به آماره‌های توصیفی مولفه‌های

ضرایب همبستگی متغیر سبک‌های تفکر و دام‌های زمان

نوع رابطه	تعیین بین دو متغیر	ضریب	اسپیرمن	پیرسون
مستقیم	۰,۱۳۱	۰,۳۲۸	۰,۳۶۲	قانونگذار
مستقیم	۰,۲۱۲	۰,۴۷۷	۰,۴۶۰	قضاوت‌نگر
مستقیم	۰,۱۴۳	۰,۳۸۰	۰,۳۷۸	اجرایی
مستقیم	۰,۱۲۴	۰,۳۲۸	۰,۳۵۳	کلی نگر
مستقیم	۰,۱۸۳	۰,۳۷۵	۰,۴۲۸	جزئی نگر
مستقیم	۰,۷	۰,۲۶۵	۰,۲۶۴	آزاداندیش
مستقیم	۰,۱۹۵	۰,۴۴۰	۰,۴۴۲	محافظه کار

جدول ۲: رابطه سبک‌های تفکر با دام‌های زمان

سبک های تفکر و با در نظر گرفتن میانگین در مبنای ۱۰۰، نیمرخ مدیران آموزش و پرورش از لحاظ سبک تفکر عبارت است از: سبک تفکر اجرایی، آزاد اندیش، کلی نگر و قضاوتگر، قانونگذار، جزئی نگر و در آخر محافظه کار. یعنی در حقیقت در جامعه تحقیق تمایل بیشتری به استفاده از سبک اجرایی وجود داشته و در مقابل، سبک تفکر محافظه کار از محبوبیت کمتری برخوردار بوده است. بنا به گفته استرنبرگ، افراد دارای سبک اجرایی مایل اند از مقررات پیروی کنند و کارهایی را به عهده بگیرند که از قبل طرح ریزی و سازماندهی شده است. آنها مایل اند که نقش خود را به جای خلق ساختارهای نو، در درون ساختارهای موجود ایفا کنند. این افراد ترجیح می دهند که با وضع موجود سیستم همسو باشند و ایده های خود را تدریجا معرفی کنند (اعتمادی، ۱۳۸۱: ۳۵). به اعتقاد استرنبرگ این سبک در محیط های آموزشی و بسیاری از حرف های دیگر، مورد استقبال قرار می گیرد و احتمالاً برخوردار از این ویژگی یکی از دلایل حضور این افراد در سازمان آموزش و پرورش است. این نکته را باید در نظر داشت که افراد با توجه به اینکه محیط تحصیلی و شغلی آنها تا چه اندازه با سبک های تفکرشان همسو یا مغایر باشد، می توانند حضور قوی تر یا ضعیف تری داشته باشند. با توجه به اینکه نمی توان گفت کدام سبک بهترین است، زمانی سازمان بهترین کارایی و اثربخشی را داراست که افراد مناسب را از نظر سبک فکری و توانایی شان به کار بگیرد و به گونه ای عمل کند که فرد با شغل خود از نظر توانایی و سبک تفکر تناسب داشته باشد.

همانطور که اشاره شد در این تحقیق، عوامل اتلاف وقت، را به سه دسته تقسیم شده است: عواملی که مربوط به خود فرد هستند، دسته دوم عواملی هستند که دیگران عامل آن محسوب می شوند و دسته سوم را اتفاقات و تصادفات تشکیل می دهند. یافته های این پژوهش نشان داد که مدیران گروه نمونه، بیشتر در دام هایی می افتند که دیگران، مولد آن هستند، مواردی مانند جلسات، کاغذبازی، تلفن ها، مراودات بیش از حد، اطلاعات ناقص، مهمانان

ناخوانده و سفرها از این قبیل اند. از دیگر اهداف این پژوهش مشخص کردن سبکی است که بیشترین ارتباط را با دام های زمان دارد. نتایج نشان می دهد که متغیرهای سبک تفکر قضاوتگر، بیشترین رابطه را با متغیر دام های زمان دارد. دیگر سبک ها به ترتیب اولویت عبارت اند از: سبک محافظه کار، جزئی نگر، اجرایی، قانونگذار، کلی نگر و در نهایت سبک آزاداندیش.

با توجه به نتایج به دست آمده، افرادی که تمایل به استفاده از سبک قضاوتگر دارند، بیشتر دچار اتلاف وقت می شوند. این افراد، مایل اند که قوانین و برنامه ها را ارزیابی کنند. آنها اموری را ترجیح می دهند که در آن عقاید و امور موجود تحلیل و ارزیابی شوند. این افراد مایل اند هم ساختار و هم محتوا را مورد قضاوت قرار دهند و دائم در حال نقد و انتقاد از دیگران و ارزیابی مراحل انجام کار باشند و شاید به همین دلایل، اصولی را که لازمه مدیریت و اداره زمان است، کمتر به کار می برند. احتمالاً فرد قضاوتگر در واگذاری امور به دیگران محتاط است و دیگران نیز متقابلاً همین احساس را دارند، چراکه این افراد دائماً در حال ارزیابی هستند، همه چیز و همه کس را به دقت زیر نظر دارند؛ حتی خودشان را. با توجه به موارد ذکر شده، به نظر می رسد چنین فردی به راحتی درگیر دام هایی مانند تلاش بیش از حد، عدم تفویض اختیار و ارتباطات ضعیف شود. این افراد ساعت های زیادی از وقت خود را تنها به دلیل اینکه به جای انجام دادن و متمرکز شدن روی کارهای مهم و اصولی، مشغول اموری می شوند که از درجه اهمیت بسیار زیادی برخوردار نیستند، چرا که مدیر قضاوتگر می اندیشد که خودش امور را بهتر و سریع تر از دیگران انجام می دهد.

نکته قابل توجه در این پژوهش، آن است که سبک آزاداندیش که جزو سبک های غالب مورد تمایل گروه نمونه شناخته شد، از نظر ارتباط با متغیر دام های زمان در رده آخر جای دارد. شاید ویژگی انعطاف پذیری و تمایل به حداکثر تغییر در افراد دارای این سبک، آنها را در کنترل زمان خود یاری می دهد.

لازم به یادآوری است که هیچ یک از سبک های تفکر، بهتر یا بدتر از دیگری نیست، بلکه نکته قابل توجه این است که هیچ سازمانی بدون تمام این سبک ها نمی تواند برای مدت طولانی دوام داشته باشد. اما باید دقت شود که سبک تفکر با نقشی که فرد در سازمان ایفا می کند، همخوانی داشته باشد. □

منابع

۱. استرنبرگ، جی رابرت (۱۳۸۱) سبک های تفکر، ترجمه: علاء الدین اعتمادی اهری و علی اکبر خسروی، انتشارات نشر و پژوهش دادار.
۲. جوکار، بهرام (۱۳۸۵) رابطه ی کنش سبک های تفکر و سبک هویت، فصلنامه پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال اول، شماره ۱.
۳. سلک، نرگس، آتش پور، سیدحمید (۱۳۸۴) رابطه بین سبک رهبری (رابطه گرا - وظیفه گرا) و سبک های تفکر در مدیران، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت.
۴. کریمی مقدم، فریده (۱۳۷۷) بررسی رابطه مهارت فردی مدیریت زمان با مهارت سازمانی آن در بین مدیران دبیرستانهای شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۵. مهبودی، محمدحسین (۱۳۸۵) بررسی رابطه بین مهارت سازمانی مدیریت زمان و اثربخشی سازمانی مدارس متوسطه ناحیه ۲ شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۶. نورشاهی، نسرين (۱۳۸۷) بررسی رابطه شیوه تفکر و سبک رهبری روسای دانشگاهها و موسسات آموزش عالی شهر تهران، پایان نامه دکتری.
۷. هاتفسی، محمد علی (۱۳۸۲) تحول فکری مدیریت، تدبیر شماره ۱۳۶، ص ۲۴.
۸. مکنزی، الک (۱۳۸۵) دام های زمان، ترجمه: غلامرضا خاکی، نشر سازمان ملی بهره وری.

9. Allowing for Thinking Styles “ Sternberg Robert J . educational leadership Uv52 n3 p36_40 Nov1994

10. Li -fang Zhang (2004) (Do university students thinking styles matter in their preferred teaching approaches? Faculty of Education The University of Hong Kong Pokfulam Road Hong Kong.

11. s.A.Nonis.J.K.Teng C.W.Ford(2005) Across-cultural investigation of time management practices and job outcomes, International Journal of Intercultural Relations 29, 409-428.

دکتر مسعود پورکیانی: استادیار گروه مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمان
فاطمه شاهیلو: کارشناس ارشد مدیریت دولتی از دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرمان